

متن پرسش

باعرض سلام خدمت استاد بزرگوار، پیرو سئوالاتی در سایت از شما پیرامون بحث غرب شناسی و مخصوصا تکنیک غرب و علمی که به این تکنیک ها منجر میشود سخنی مبسوط از سوی رهبرمعظم انقلاب در جمع نخبگان هست که با توجه به لحن قاطع کلام همراه با انواع قیود تاکیدی اینگونه مستفاد میشود که بیان ایشان شامل محکمت نظر ایشان در باب این موضوع است. از آنجا که در طرح اینگونه سئوالات امکان برجسته نمایی استدلال ها به وسیله تغییر فونت در سایت وجود ندارد عنوانهایی از کلام ایشان را به عنوان چالش خود برای هر قسمت انتخاب کردم. ۱- حتی علوم دنیایی هم از نظر اسلام به ارزش است ((خب، حالا این مطلب را من عرض بکنم - شاید پاسخی هم باشد به سؤالی که این برادر عزیزمان در پایان جلسه مطرح کردند - که علم برای یک جامعه‌ی انسانی، یک موهبت الهی است: هم علوم ارزشی و علوم معرفتی، و هم علمی که به انسان کمک میکند تا در این طبیعت عظیم و در این خلقت شگفت‌آور خدای بزرگ، از گنجینه‌هایی که خدا برای انسان در این طبیعت قرار داده، بیشتر و بهتر استفاده کند. از اول پیدایش انسان، حرکت انسان به سمت پیدا کردن رموز طبیعت و کشف کردن کوچه پس‌کوچه‌های تو در توی این ساخت عظیم و بافت بزرگ به کار گرفته شده و اسلام و همه‌ی ادیان این را تأیید میکنند. شما نمیتوانید در هیچ دینی - بخصوص دین اسلام - یک تعبیر و جمله‌ای پیدا کنید که نشان‌دهنده‌ی این باشد که این علوم دنیوی فایده‌ای ندارد یا مضر است یا نباید دنبالش رفت؛ بعکس، همه‌ی این دانشهائی که تا امروز بشر به آنها دست پیدا کرده - که وسیله‌ای است برای اینکه انسان بتواند از این حقیقتی که وجود دارد و این طبیعتی که خدا برای ما آفریده، بهتر استفاده کند - و همچنین دانشهائی که تا امروز بشر به آنها دست پیدا نکرده - شاید دانشهائی بیشتری در آینده پیدا خواهد شد که حجم و کمیت آنها از همه‌ی دانشهائی بشری از اول تا حالا بیشتر است و بشر در آینده به آنها دست پیدا خواهد کرد - همه‌ی این دانشها از نظر اسلام با ارزش است.)) ۲- از علم نفسانی بهره گرفتن بد است نه خود علم ((خود علم ارزش است. این ارزش را کسانی میتوانند به ضد ارزش تبدیل کنند که از او علیه منافع بشریت استفاده کنند؛ اما خود دانش یک ارزش است. به برکت دانش، معرفت خدا هم آسان میشود. کسانی که دارای علم‌اند، بیشتر میتوانند حقانیت پیام پیغمبران و حقانیت پیام راستین اسلام را بفهمند. علم را با شهوات، با غرضها و با چیزهائی که در عالم مادی و گرایشهای مادی وجود دارد، مخلوط نباید کرد. آنی که آنجا بد است، او ضد ارزش حرکت کردن آنها و شهوانی و نفسانی بهره‌گیری کردن از علم است، نه خود علم. بنابراین علم یک ارزش است؛ در این شک نکنید. هم علوم معرفتی، علوم ارزشی، علوم حقیقی یا اعتباری‌ای

مثل فلسفه یا فقه یا امثال اینها خیلی با ارزش است و هم علمی که وسیله‌ی کشف دنیای موجود در اختیار بشر و کشف رازهای آن و توانا شدن بر استفاده‌ی بهتر از این گنجینه‌ی عظیم است))^۳-بدیهی بودن ارزش علوم بدون شک و تردید و تفسیر حدیث معروف ((. اینی که پیغمبر میفرماید: «اطلبوا العلم و لو بالصّین»، نمیخواهد بگوید بروید فلسفه یا فقه را از چین یاد بگیرید؛ بروید دانش را - هر دانشی؛ علم و آنچه که بر علم مترتب میشود یعنی فناوری و توانائیهای فراوان سرپنجه‌ی بشری - یاد بگیرید؛ اینها چیزهای لازمی است. خب، این یک مقداری پرداختن به مسائل بدیهی بود؛ یعنی بنده تصور هم نمیکردم که در بین شما جوانان نخبه کسی باشد که در این زمینه شک و تردیدی داشته باشد و تصور کند که حالا اسلام چه میگوید))^۴- قالبها (اعم از علم و تکنولوژی)، ایرادی ندارد اشکال از جهت هاست (البته با توجه به نگاه شما به این موضوع خود نفس اماره است که دنبال این علوم میرود تا سلطه خود با ابزارهای گوناگون بر طبیعت و به طریق اولی با خیال خام خود و در خیال خود بر کل هستی برای خواسته‌های خود به کار گیرد که در فرهنگ اکنون غرب مشهود است مثالی بسیار ظریف در سخن ایشان وجود دارد که اسلام به نفسانی‌ترین و غیر توحیدی‌ترین سنت عرب جاهلیت با حفظ قالب روح توحید دمید و آن را نماد توحید در اسلام قرار داد و این هنر اسلام است و اسلام این توانایی را برای بعد علم و تکنولوژی نیز داراست، البته قبول دارم که نمی‌توان تمام آن قالب‌ها مانند معماری جهان غرب و... اسلامی کرد ولی میتوان از آن علوم و فنون در یک روح فراگیر توحیدی-اسلامی استفاده کرد)،((سند چشم‌انداز هم مطلقاً یک قطعه‌ای از نگاههای غربی نیست. ما جهت را عوض کرده‌ایم. ببینید، یک نکته‌ای که شما جوانها خوب است به آن توجه کنید، این است که خیلی از چیزها هست که قالب آن ایرادی ندارد، اما جهت اشکال دارد؛ ما در اسلام هم از این قبیل چیزها داشتیم. همین حج و عمره‌ای که شماها میروید و اینقدر دختر جوان ما و پسر جوان ما - با آن دل‌های پاکشان - تحت تأثیر آن قرار میگیرند، این حج یک رسم جاهلی است و در جاهلیت بوده. همین طوافی که شما میکنید، این طواف را در دوران جاهلیت میکردند. در موسم حج، که موسم حج هم همین ماه‌های حرام بود، از اطراف عربستان - حالا در بیرون عربستان کسی اعتقاد نداشت - راه می‌افتادند و به مکه می‌آمدند، برای اینکه اطراف کعبه طواف کنند. قالب کار، همین قالب کاری است که شما انجام میدهید؛ اما محتوا و جهت کار، صد و هشتاد درجه تفاوت دارد. امروز شما اطراف کعبه که حرکت میکنید، توحید را دارید تجسم میکنید؛ حرکت عظیم عالم بر محور وجود خالق متعال؛ که اینجا یک حرکت سمبلیک و یک حرکت نمادین به وجود آمد و کعبه شد مظهر توحید در اسلام، و حج شد بهترین عامل برای توحید کلمه در یک مجمع عظیم جهان اسلام؛ این جهت امروز آن است. جهت جاهلیت صد و هشتاد درجه تفاوت داشت و نقطه‌ی مقابل این بود؛ بت‌های گوناگونی بیرون کعبه و درون کعبه آویخته بودند؛ کسانی که می‌آمدند و دور کعبه حرکت میکردند، در واقع دلباخته و دلبسته‌ی آن بت بودند و از خدای واحد احد چیزی نمیفهمیدند. خود این حرکت کردن هم نه فقط آنها را به هم نزدیک نمیکرد، آنها را از هم دور میکرد؛ چون دلبستگی‌هایشان با هم فرق داشت؛ یکی به خاطر فلان

بت دور کعبه میگشت و دیگری به خاطر فلان بت دیگر که همه‌ی اینها توی کعبه جمع بودند. پیغمبر حج و طواف و سعی را مطلقاً تغییر نداد - این قالب حفظ شد - جهت آن را صد و هشتاد درجه عوض کرد؛ حجتی که مظهر شرک و بت‌پرستی و خرافه‌پرستی و عصبیت و جهالت محض بود، تبدیل شد به مظهر توحید، مظهر صفا، مظهر اخلاص و دل‌باختگی در مقابل ذات اقدس الهی.)) -۵- در این فراز مثالهای عینی و مصداقی از علوم مانند نانو، الکترونیک، آیرو دینامیک که کاملاً علمی مادی به عنوان قالب های درست و علمی مورد تایید بیان میکنند وبا بیان اینکه کسانی از این علوم بسیار بد استفاده میکنند یکی از جهات مهم فراگیری این که ترویج ارزشهای توحیدی است را بیان میکنند((قالبها اشکالی ندارند. تکنولوژی هسته‌ای هیچ گناهی نکرده، گناه مال آن کسی است که جهت او را جهت تخریب انسانها قرار میدهد. یا مثلاً فناوریهای پیشرفته‌ی نانو، یا صنایع الکترونیک بسیار پیشرفته و آیرو دینامیک و امثال اینها گناهی ندارند؛ اینها خیلی خوبند و ابزارهایی هستند برای اینکه انسان بتواند در دنیا از منابع و فرصتهایی که خدا در این طبیعت قرار داده، به بهترین وجهی استفاده کند. گناه مال آن کسانی است که از این نعمت خدادادی و از این گنجینه‌ی الهی، برای زورگوئی به بشر، تسلط به دیگران و پامال کردن حقوق دیگران استفاده میکنند. شما که مبنای خوبی دارید، شما که به خدا معتقدید، شما که به کرامت انسان معتقدید، شما که با ظلم و غصب و تعدی و تجاوز مخالفید، شما که استکبار و جامعه‌ها یا حکومت‌های برآمده‌ی از شهوات شخصی و جمعی را تقبیح میکنید، شما این علوم را یاد بگیرید تا ارزشهای خودتان را در دنیا ترویج کنید و معارف خودتان را در دنیا حاکم کنید. این چیز بدی است؟! یک نفر سوار هواپیما میشود و برای عیاشی و هرزگی، به فلان شهر فلان کشور میرود؛ یک نفر هم سوار همین هواپیما میشود، میرود برای زیارت خانه‌ی خدا؛ این هواپیما که گناهی ندارد؛ جهت‌ها فرق میکند. شما دانش و فناوری را فرا بگیرید و از هوش ویژه‌ای که در شما هست - که من حالا اشاره خواهم کرد و بعضی از دوستان هم گفتند - استفاده کنید، برای اینکه در این جهت، قله را فتح کنید. آن وقت از این موقعیت و از این فرصت، برای نشر ارزشهای حقیقی - به جای ارزشهای دروغین، به جای نفسانیات، به جای هرزگی، به جای سلطه‌ی زر و زور بر سرنوشت بشر - استفاده کنید)) - از آنجا که برای درست فکر کردن نیاز به مقدمات صحیح و بدون تناقض با هم و... است (اگرچه نمیخواهم بگویم این حرفها تمام حرفهای ایشان است) به نظر شما این بیان ایشان از محکّمات ایشان در باب علوم و تکنیک غربی نیست؟ ومن الله توفیق

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: رهبر عزیز در این سخنان که نوعاً با نسل جوان و دانشجویان سخن می‌گویند سعی می‌کنند جوانان وارد میدان علم و فن‌آوری شوند تا اولاً: کشور از عقب‌ماندگی علمی نجات پیدا کند. همین‌طور که در این سال‌های اخیر بحمدالله آثار نجات از عقب‌ماندگی علمی پیدا است. ثانیاً: اگر ما علم را در اختیار گرفتیم سعی می‌کنیم آن را بومی‌سازی کنیم و در مسیر بومی‌سازی است که تکنولوژی مربوط به فرهنگ خودمان را ایجاد می‌کنیم. در آن صورت آن تکنولوژی از روح

غربی آزاد است. رهبری با چنین بصیرتی سعی می‌کنند علم‌آموزی در کشور را مدیریت کنند و از این جهت یکی از محک‌های ایشان همین است که عرض کردم. موفق باشید